

Mentally Retarded Persons Offences; Causes of Crime and Prevention from the Perspective of Police Officers, Lawyers and Judges

*Fatemeh Dehdarzadeh¹, Hosein Mir Mohammad Sadeghi²,
Mohammad Ashuri³, Mohammad Ali Mahdavi Sabet⁴*

Abstract

This study aims to identify and prioritize the most serious crimes committed by mentally retarded people, causes and factors to prevent the commission of a crime from the perspective of police officers, lawyers and judges are doing... A qualitative study using the Delphi 33-member team, which included the participation of 11 police officers, 11 lawyers and 11 judges were 3 stages finally, a statistical summary of responses provided and the new ranking was determined based on the mean and the standard was set high standards seventh. Results: Results of this study showed that Lowest and the most frequent crimes committed by mentally retarded people were killed and damage to property, the most important factors influencing their low average IQ delinquency and abuse by other perpetrators and the most important factors in the prevention of delinquency mentally retarded people, by the people through education and awareness Culturing them is correct. Conclusion: Since individuals with mental retardation, a series of social problems, economic, cultural and educational have to educate people on to support their rights and education & training of police officers, lawyers and judges necessary condition for justice it is.

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Invited Professor, Criminal Law and Criminology, Department of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding author) Email: drsadeghi128@yahoo.com

3. Professor, Criminal Law and Criminology, Department of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Department of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Keywords

Mentally Retarded Offenders, Police Officers, Lawyers, Judges

Please cite this article as: Dehdarzadeh F, Mir Mohammad Sadeghi H, Ashuri M, Mahdavi Sabet MA. Mentally Retarded Persons Offences; Causes of Crime and Prevention from the Perspective of Police Officers, Lawyers and Judges. Iran J Med Law 2019; 13(49): 149-165.

جرائم افراد عقب مانده ذهنی؛ علل ارتکاب و عوامل پیشگیری

از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات

فاطمه دهدارزاده^۱

حسین میر محمدصادقی^۲

محمد آشوری^۳

محمدعلی مهدوی ثابت^۴

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت بندی مهم ترین جرائم ارتكابی توسط افراد عقب مانده ذهنی، علل ارتكاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری از بروز جرم از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات انجام گردیده است. این مطالعه از نوع کیفی و با استفاده از روش دلفی از طریق مشارکت گروه ۳۳ نفره که شامل ۱۱ نفر افسران پلیس، ۱۱ نفر وکلا و ۱۱ نفر قضات طی ۳ مرحله انجام پذیرفت و در نهایت خلاصه آماری پاسخ ها تهیه شده و رتبه بندی جدید بر اساس میانگین کل مشخص گردید و از میان معیارهای تعیین شده ۷ معیار برتر تعیین گردید. حاصل این پژوهش نشان داد که بیشترین و کمترین جرم ارتكابی توسط افراد عقب مانده ذهنی به ترتیب خسارت به اموال و قتل، مهم ترین عوامل مؤثر بر بزه کاری این

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد مدعو، حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: drsadeghi128@yahoo.com

۳. استاد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

افراد پایین بودن متوسط بهره هوشی و سوء استفاده توسط سایر مجرمان و مهم ترین عوامل مؤثر بر پیشگیری از بزه کاری افراد عقب مانده ذهنی، ارتقای آگاهی های این افراد از طریق آموزش و نهادینه کردن فرهنگ برخورد صحیح با آنها است. از آنجایی که افراد عقب مانده ذهنی از مجموعه ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی رنج می برند، آموزش دادن به این افراد در راستای حمایت از حقوق خود و همچنین تعلیم و آموزش افسران پلیس، وکلا و قضات شرط لازم جهت تحقق عدالت است.

واژگان کلیدی

مجرم عقب مانده ذهنی، افسران پلیس، وکلا، قضات

مقدمه

معلولیت عبارت است از محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد که پیامد نقص و ناتوانی است و مانع از انجام نقشی می‌شود که با توجه به شرایط سنی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی برای فرد در نظر گرفته شده است (۱).

بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی (۱۹۸۱ م.)، سازمان ملل متحد (۱۹۹۰ م.) و کمیسیون اجتماعی اقتصادی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه (۱۹۹۵ م.) به ترتیب ۱۰٪، ۲۰-۲ درصد و کمتر از ۱۰٪ از جمعیت کشورهای مختلف را افراد معلول تشکیل می‌دهند که ۸۰٪ از معلولین دنیا در کشورهای در حال توسعه هستند. علت این تفاوت در آمار ارائه شده تفاوت در تعریف‌ها و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص معلولین است (۲).

بر اساس آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران جمعیت کشور در سال ۶۵ برابر با ۴۹۸۵۷۳۸۴ نفر بوده که معلولین با جمعیت ۴۵۳۰۹۰ نفری، ۰/۹۱ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند. طی ۳۵ ساله گذشته با توجه به توسعه اقتصادی اجتماعی و بهبود شاخص‌های بهداشتی رشد جمعیت روند صعودی داشته که این افزایش در جمعیت معلولین از شدت بیشتری برخوردار بوده است، به گونه‌ای که در سال ۹۰ به ۱۰۱۷۶۵۹ رسید. همچنین نسبت جمعیت معلولین به جمعیت کل کشور از ۰/۹۱ درصد به ۱/۳۵ درصد افزایش و معلولین عقب‌مانده ذهنی با جمعیت ۳۳۳۹۹۶ نفری، ۳۲/۸ درصد از کل معلولین را شامل می‌شوند (۳).
عقب‌ماندگی ذهنی اشاره دارد به نوعی عملکرد هوشی زیر متوسط هم‌زمان با نقص در رفتار انطباقی که در طی دوره زمانی هوش ظاهر می‌شود. رفتار انطباقی تعریف می‌شود به عنوان: «درجه‌ای از رفتار که در آن شخص معیارهای استقلال شخصی و مسئولیت اجتماعی که با توجه به گروه سنی وی از او انتظار می‌رود را برآورده می‌سازد» هوش پایین و فقدان رفتار انطباقی باید قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی اتفاق بیفتد تا بتوان شخص را به عنوان عقب‌مانده ذهنی در نظر گرفت.

برای این‌که فردی عقب‌مانده محسوب شود، باید عملکرد ذهنی و IQ وی زیر ۷۰ و سه ویژگی ذیل را به همراه داشته باشد:

- قادر به یادگیری به میزان و سرعت افراد معمولی نباشد.

- قادر به ذخیره و جمع‌آوری اطلاعات نباشد.

- توانایی به کاربردن اصول یا اطلاعات از وضعیتی در وضعیت مشابه دیگر را نداشته باشد

(۴).

تحقیقات انجام‌شده در انگلستان نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر حضور افراد عقب‌مانده ذهنی در سیستم عدالت کیفری افزایش یافته است که این امر موجب شده تا در سیستم قضایی انگلستان تلاش‌های زیادی به منظور تشخیص و تعریف مجرم عقب‌مانده ذهنی صورت بگیرد، اما با این وجود تشخیص مجرم عقب‌مانده ذهنی کاری مشکل و گاهاً وقت‌گیر است.

اصطلاح عقب‌ماندگی ذهنی غالباً با بیمار روانی اشتباه می‌شود، اما بین این دو تمایز مهمی وجود دارد. بیماران روانی از عملکرد نامتناسب مغز رنج می‌برند، مانند اختلالاتی چون افسردگی و اسکیزوفرنی که اغلب با دارو قابل درمان می‌باشند، در حالی که عقب‌مانده ذهنی با دارو قابل درمان نیست. غالباً کارکنان دادگستری کیفری (افسران پلیس، وکلا و قضات) با مفهوم بیماران اروانی و نحوه برخورد با آن‌ها آشنا هستند، اما در خصوص افراد عقب‌مانده ذهنی اطلاعات لازم را ندارند.

مجرم عقب‌مانده ذهنی به فردی اطلاق می‌شود که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- نقص تکلم.

- مشکل در درک سؤالات و جواب‌دادن به آن‌ها.

- ناتوانی در خواندن یا نوشتن.

- تقلید سؤالات و جواب‌ها.

- رفتار نامتناسب با سطح سنی خود.

- ناتوانی در درک عواقب موقعیت‌ها.

- تلاش برای خوشحال کردن دیگران و نادیده گرفتن جنبه‌های قانونی اعمال خود.

- دنباله‌رو بودن و عدم شروع اولیه رفتارهای مجرمانه.

- عدم آگاهی از حقوق خود.

- اشتیاق فراوان به اعتراف کردن.

- بیان مطالبی که دیگران تمایل به شنیدن آن دارند (۵).

این افراد به دلیل عملکرد هوشی زیر متوسط و عدم درک صحیح از جرم و جنایت ناخواسته مرتکب بزه کاری می گردند، با توجه به این که آشنایی و آگاهی از ویژگی های این افراد نقش مهمی در برخورد قضایی مناسب با این افراد دارد، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت بندی مهم ترین جرائم افراد عقب مانده ذهنی، علل ارتکاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری از بروز جرم از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات انجام گردیده است.

روش

این مطالعه از نوع کیفی و با استفاده روش دلفی از طریق مشارکت گروه ۳۳ نفره که شامل ۱۱ نفر افسران پلیس، ۱۱ نفر وکلا و ۱۱ نفر از قضات طی سه مرحله زیر انجام پذیرفت.

۱-۱- مرحله اول: اولین پرسشنامه به صورت بدون ساختار با رویکرد زایش ایده ها که هدف شناسایی و اولویت بندی مهم ترین جرائم افراد عقب مانده ذهنی، علل ارتکاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری از بروز جرم طراحی گردید و از هر یک از افسران پلیس، وکلا و قضات درخواست شد تا شخصاً بارش مغزی برقرار کنند و فهرست معیارهای خود را به منظور شفاف سازی و رفع ابهام سایرین به طور مختصر شرح دهند. سپس تمامی پاسخ های مرتبط جمع آوری سازمان دهی گردید و نظرات مشابه ادغام و موارد تکراری و غیر مرتبط حذف گردید و پاسخ ها تا حد امکان مختصر شد. در نهایت، معیارهای شناسایی شده توسط کلیه اعضا به پرسشنامه ساختارمند تبدیل و به عنوان ابزار مرحله دوم مورد استفاده قرار گرفت.

۱-۲- مرحله دوم: در این مرحله پرسشنامه ساختارمند که شامل بازخورد پاسخ های خود افراد و نظرات دیگران در اختیارشان قرار داده شد و از آن ها خواسته شد از میان مهم ترین جرائم، علل ارتکاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری، ۵ جرم، ۵ علت ارتکاب و ۵ عامل مؤثر بر پیشگیری برتر را بر اساس درجه اهمیت اولویت بندی نمایند. سپس کلیه پرسشنامه های دوم جمع آوری، آنالیز و بر اساس میانگین درجه اهمیت جرائم، علل ارتکاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری کلیه افراد رتبه بندی کلی انجام شد و اولویت هر کدام مشخص گردید.

۱-۳- مرحله سوم: در این مرحله، نتیجه رتبه بندی کلی معیارها به اطلاع کلیه شرکت کنندگان رسانده شد و از آن ها درخواست شد تا پاسخ ها را مجدداً مرور نموده، در صورت تجدید نظر در نظرات و قضاوت های خود جرائم، علل ارتکاب و عوامل مؤثر بر پیشگیری را

دوباره بر اساس اهمیت آن‌ها، اولویت‌بندی نمایند. سپس خلاصه آماری پاسخ‌ها تهیه شده و رتبه‌بندی جدید بر اساس میانگین کل مشخص گردید و از میان معیارهای تعیین شده ۷ معیار برتر تعیین گردید.

یافته‌ها

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین نوع جرمی که افراد عقب‌مانده ذهنی مرتکب می‌شوند، از دیدگاه افسران پلیس، وکلا، قضات و جمع ۳ گروه خسارت به اموال و کم‌ترین نوع جرم قتل است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که از دیدگاه کلیه اعضا مهم‌ترین عوامل فردی و محیطی که بیشترین تأثیر در ارتکاب جرم افراد عقب‌مانده ذهنی را داشتند، به ترتیب پایین بودن متوسط بهره هوش این افراد و سوء استفاده توسط سایر مجرمان و عوامل فردی و محیطی، چون تمایلات و نیازهای عاطفی و تأثیرپذیری عاطفی بالا و فقدان وجود تفریحات مناسب برای این افراد در جامعه دارای کم‌ترین تأثیر بودند.

جدول ۳ نشان می‌دهد که از دیدگاه کلیه اعضا تأثیرگذارترین عوامل فردی و محیطی در پیشگیری از بزه‌کاری افراد عقب‌مانده ذهنی به ترتیب ارتقای آگاهی‌های این افراد از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی و نهادینه کردن فرهنگ برخورد صحیح و حمایت اجتماعی از افراد عقب‌مانده ذهنی بودند و عواملی فردی و محیطی آموزش مهارت‌های کنترل هیجانات و ایجاد امکاناتی جهت تفریح و تخلیه هیجانات برای این افراد به ترتیب کم‌ترین تأثیر را داشتند.

افراد عقب‌مانده ذهنی احتمالاً با مجموعه‌ای از مشکلات نظیر مشکلات فیزیکی، فقر، کمبود امکانات، فقدان حمایت اجتماعی، آسیب‌پذیربودن در برابر بیماری‌های روانی و مشکل در برقراری ارتباط با دیگران رو به رو هستند.

برای این‌که افراد عقب‌مانده ذهنی بتوانند عدالت برابری را دریافت نمایند، تعلیم و آموزش شرط لازم و حیاتی است کودکان، نوجوانان و بزرگسالان عقب‌مانده بایستی آموزش‌های لازم را در ملاقات احتمالی با یک افسر فرا گیرند تا یاد بگیرند در زمان مواجهه با پلیس چگونه صحبت کنند و از حقوقشان دفاع کنند. همچنین نیاز است که تمامی متخصصان در مدارس، نهادهای

حمایتی، ادارات پلیس و دادگاه‌ها آموزش‌های لازم در زمینه ویژگی‌های عقب‌مانده ذهنی و تفاوت آن‌ها با بیماران روانی را فرا گیرند (۶).

بحث

در بررسی حاضر در بحث اولویت‌بندی مهم‌ترین جرائم ارتكابی توسط افراد عقب‌مانده ذهنی از دیدگاه افسران پلیس، وكلا و قضات جرم خسارت به اموال در درجه اول و قتل در درجه آخر قرار دارد. نتیجه تحقیق ما با نتیجه تحقیق رابرتسون و سمپسون و هاگ همخوانی دارد. رابرتسون در تحقیق خود در سال ۱۹۸۱، ۳۰۰ زندانی عقب‌مانده ذهنی را مورد بررسی قرار داد و دریافت که از این تعداد تنها یک نفر آن‌ها مرتکب جرم قتل شده است. سمپسون و هاگ در سال ۲۰۰۱ خاطرنشان کردند که در حالی که جرائم جنسی و ورود خسارت کیفری در میان جمعیت عقب‌مانده ذهنی بیشتر قابل مشاهده است، قتل عمد و سرقت مسلحانه بسیار کم دیده می‌شود (۷).

طبق تحقیق کولن در سال ۱۹۹۳ افراد عقب‌مانده ذهنی بیشتر مرتکب جرائم جنسی می‌شوند (۸). در مطالعه صورت‌گرفته توسط سو در سال ۲۰۰۰، غالب‌ترین نوع جرائم ارتكابی توسط افراد عقب‌مانده ذهنی، جرائم علیه اموال از جمله سرقت، آتش‌سوزی و در درجه بعد جرائم جنسی گزارش شد (۹). جونز در سال ۲۰۰۷ در تحقیق خود دریافت که اشخاص عقب‌مانده ذهنی بیشتر جرائم جنسی و آتش‌سوزی را مرتکب می‌شوند (۱۰). رز و دیگران در سال ۲۰۰۸، ۴۷ شخص عقب‌مانده ذهنی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که غالب‌ترین نوع جرائم ارتكابی توسط این افراد عبارت بودند از خشونت و حمله فیزیکی (۲۱٪)، تهاجم جنسی علیه بزرگسالان (۲۶٪)، تهاجم جنسی علیه کودکان (۲۳٪)، خسارت به اموال (۱۸٪)، بدین ترتیب در تحقیق رز بیشترین جرم ارتكابی تهاجم جنسی است (۱۱). به طور کلی بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته، خسارت به اموال و جرائم جنسی غالب‌ترین نوع جرائم ارتكابی به وسیله افراد عقب‌مانده ذهنی است، حال آنکه از دیدگاه وكلا و قضات جرم تهاجم جنسی در اولویت جرائم ارتكابی افراد عقب‌مانده ذهنی ذکر نگردیده است. شاید علت این تفاوت آن باشد که در جامعه ما به سبب وجود باورهای دینی و دستور حجاب، زمینه کم‌تری برای ارتكاب

جرایم جنسی توسط افراد عقب‌مانده فراهم است، چراکه به زعم برخی جرم‌شناسان خودنمایی و پوشش تحریک‌آمیز طرف مقابل، خود عامل مهمی در بروز رفتارهای خشن جنسی است.

بحث دیگر مربوط به مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات است. مهم‌ترین عوامل فردی مورد اشاره از دیدگاه این افراد به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- پایین‌بودن متوسط بهره هوش این افراد؛ ۲- ناتوانی در درک آثار و عواقب جرم؛ ۳- ارتکاب جرم به منظور جلب توجه دیگران. عوامل مورد اشاره در بند دوم و سوم در تحقیقات دیگری نیز قابل مشاهده است. اوبرین در سال ۲۰۱۰، ۴۷۷ مجرم ناتوان ذهنی را مورد مطالعه قرار داد و دریافت که از این تعداد ۱۱٪ مبتلا به اختلال شخصیت هستند. در واقع اختلال شخصیت منجر به بروز خشم احساسی، انجام عمل به صورت ناگهانی و بدون توجه به عواقب آن و انجام اعمال واکنشی شدید در پاسخ به انتقادات می‌گردد (۱۳-۱۲). همگی به نتایج مشابهی دست یافتند. سو در تحقیق خود در سال ۲۰۰۰ دریافت که افراد عقب‌مانده ذهنی گاهی به منظور جلب توجه دیگران راه مجرمانه را در پیش می‌گیرند (۹)، اما اولین عامل فردی که مورد اشاره قرار گرفته، پایین‌بودن متوسط هوش این افراد است. نقش هوش در ارتکاب جرم توسط افراد عقب‌مانده که مورد اشاره افسران پلیس، وکلا و قضات قرار گرفته، با تحقیق دنکووسکی و فرس همخوانی ندارد. دنکووسکی در سال ۱۹۸۵ با تحقیق بر روی زندانیان ۲۰ ایالت آمریکا ۲/۵ درصد از آن‌ها را عقب‌مانده یافت و دریافت که IQ پایین فی‌نفسه یک عامل مؤثر در ارتکاب جرم نیست. فرس نیز در تحقیقی مشابه در سال ۲۰۰۱ به این نتیجه رسید که هوش پایین نمی‌تواند به تنهایی دلیل ارتکاب جرم در افراد عقب‌مانده ذهنی باشد (۱۴). در واقع نظریه تأثیر هوش در ارتکاب جرم سال‌هاست که حمایت‌های خود را از دست داده است، اما کارکنان دادگستری ما هنوز به آن باور دارند که این خود نیاز به انجام آموزش‌های لازم را برای افسران پلیس، وکلا و قضات دوچندان می‌نماید.

و اما مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر بروز بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات عبارت‌اند از: ۱- سوء استفاده توسط سایر مجرمان؛ ۲- مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها در آموزش، درمان و حمایت اصولی از فرزندان عقب‌مانده ذهنی؛ ۳- تحقیر و تمسخر در اجتماع. در اینجا تحقیقات مشابهی قابل توجه است؛ هولین در سال ۱۹۸۹ بیان داشت که مجرم عقب‌مانده ذهنی فرق بین رفتار قابل قبول و غیر

قابل قبول را نمی‌تواند درک کند. در نتیجه به راحتی توسط مجرمان توانا تر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. پرسم در سال ۲۰۰۳ بیان داشت که اشخاص عقب‌مانده ذهنی به عنوان متهم غالباً به وسیله سایر مجرمان مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند تا در فعالیت‌های نقض قانون بدون درک ماهیت جرم و عواقب آن به سایر مجرمان یاری رسانند که هدف آن‌ها از مشارکت در جرم پذیرفته‌شدن و رسیدن به یک رابطه دوستانه است (۱۶-۱۵)، نیز به نتیجه مشابهی در این زمینه دست‌یافت. وینتر و دیگران در تحقیقشان در سال ۱۹۹۷ بی‌خانمانی و عدم توجه خانواده‌ها به فرزندان عقب‌مانده خود را دلیل ارتکاب جرم توسط این افراد بیان کردند (۱۷). فاکتورهای مؤثر بر رفتار مجرمانه افراد عقب‌مانده ذهنی در تحقیق صورت گرفته توسط اسپورمن و کوپرین در سال ۱۹۸۶ عبارت‌اند از: خانواده‌های شلوغ، مسکن‌های اجاره‌ای نامتناسب، خانواده‌های تک‌والدینی، محرومیت از خدمات اجتماعی و رفاهی و عدم اشتغال اشخاص عقب‌مانده (۱۸). مورفی و دیگران در سال ۱۹۹۵ در تحقیقشان علاوه بر سوابق اجتماعی و اقتصادی ضعیف به یک مورد جدید اشاره کردند و آن‌هم داشتن والدینی است که خود درجه‌ای از عقب‌ماندگی ذهنی را دارند و در نتیجه قادر به اعمال استراتژی‌های تربیتی در مورد کودکان عقب‌مانده ذهنی‌شان نیستند (۱۹).

موضوع مهم دیگری که بایستی به آن توجه کرد، در رابطه با عوامل مؤثر بر پیشگیری از بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی است. مهم‌ترین عامل فردی مؤثر بر پیشگیری از بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- ارتقای آگاهی‌های این افراد از طریق آموزش؛ ۲- افزایش احساس ارزشمندی در فرد عقب‌مانده ذهنی؛ ۳- مراقبت مداوم از این اشخاص توسط مراکز روانپزشکی و سایر ارگان‌های مرتبط. دیویس در سال ۲۰۰۰ به آموزش افراد عقب‌مانده ذهنی و نقش آن در اتخاذ رویکردهای صحیح توسط این افراد در جامعه اشاره کرده است.

عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از بزه‌کاری افراد عقب‌مانده ذهنی از دیدگاه افسران پلیس، وکلا و قضات به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- نهادینه کردن فرهنگ برخورد صحیح با این افراد؛ ۲- فراهم نمودن شرایط اشتغال مناسب؛ ۳- ایجاد نهادها و تشکلهایی که ضمن آموزش این افراد، زمینه را برای حضور فعال آنان در جامعه فراهم آورد. فیلیپ در سال ۲۰۱۳ ایجاد

فرصتهایی برای کسب مهارت‌های لازم جهت مشارکت موفقیت‌آمیز افراد عقب‌مانده ذهنی در جامعه را یک عامل بسیار مهم برای مبارزه با بزه‌کاری این افراد دانست.

پول در تحقیق خود در سال ۲۰۰۵ بیان کرد که نمایش مثبت افراد عقب‌مانده ذهنی در وسایل ارتباط جمعی تأثیر مهمی بر نحوه برخورد مردم با این افراد خواهد داشت. آموزش به مردم که این افراد جزء شهروندان درجه یک محسوب می‌شوند، سبب می‌گردد که دید منفی جامعه نسبت به این افراد کاهش یابد که این امر به نوبه خود باعث کاهش احساس ترس و تهدید و در نتیجه انجام عملکرد صحیح در اشخاص عقب‌مانده ذهنی می‌گردد (۲۰).

وینتر و دیگران در سال ۱۹۹۷ خاطرنشان کردند که مداخلات اولیه نهادهای اجتماعی در مراحل اولیه زندگی می‌تواند تا حدی از بروز رفتارهای مجرمانه توسط اشخاص عقب‌مانده ذهنی جلوگیری نماید. این یافته مشابه با یافته کیرنس است (۲۱). کارل در سال ۱۹۸۶ فراهم‌نمودن امکانات اشتغال مناسب برای افراد عقب‌مانده را موجهی دانست تا از گروه‌های مجرمان و نهایتاً از ارتکاب رفتارهای مجرمانه به دور بمانند (۴).

نتیجه‌گیری

به اعتقاد حقوقدانان، وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته، برای احراز مجرمیت کافی نیست. مجرم باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام‌یافته، قصد مجرمانه و عمد داشته باشد و یا در اجرای عمل به نحوی از انحراف خطایی از او سر بزند که بتوان وی را مستحق مجازات دانست. بزه‌کار عقب‌مانده ذهنی، شخصی است که ناتوانایی ذهنی و یادگیری دارد و مانند سایر انسان‌های معمولی قدرت تفکر و اندیشه ندارد. بنابراین در بیشتر موارد زشتی عمل خود را درک نمی‌کند و شرایط لازم را برای مسؤولیت کیفری ندارد، اما به هر حال نمی‌توان بزه‌کاران عقب‌مانده ذهنی را به حال خود رها کرد، بلکه مدیریت آن‌ها در جامعه امر بسیار مهمی است که باید به آن توجه شایانی شود. در همین راستا باید مداخلات رفتاری به تنهایی یا همراه با دیگر درمان‌ها به عنوان جنبه مهمی از یک برنامه درمانی جامع برای مدیریت بزه‌کاران عقب‌مانده ذهنی در نظر گرفته شود. هدف برنامه‌های رفتاری بهبود شایستگی‌ها در آموزش و مهارت‌های انطباقی و کاهش رفتارهای نامطلوب است.

آنچه مسلم است با افزایش تعداد افراد عقب مانده ذهنی، نیاز به آموزش همه متخصصان سیستم عدالت کیفری از جمله افسران پلیس، وکلا و قضات در این زمینه همانند سایر زمینه‌ها نظیر موارد مربوط به قربانیان جرم، نژادپرستی و جرم، زنان در سیستم عدالت کیفری و مجرمان بیمار روانی مهم است، لذا لازم است سیاستمداران و مسئولین ارشد کشوری برنامه‌هایی برای افزایش مهارت‌های زندگی، مراقبت‌های روان پزشکی، برنامه‌های مربوط به سوی مصرف مواد مخدر و... در جهت کاهش حضور آن‌ها در سیستم عدالت کیفری طراحی نمایند.

جدول ۱: اولویت‌بندی مهم‌ترین جرائم رخ داده توسط افراد عقب‌مانده ذهنی

از دیدگاه افسران پلیس، قضات و وکلا

افسر پلیس	قاضی	وکیل	جمع ۳ گروه
خسارت به اموال	خسارت به اموال	خسارت به اموال	خسارت به اموال
تهاجم جنسی	حمله	حمله	حمله
آتش‌سوزی	سرقت	سرقت	سرقت
حمله	تهاجم جنسی	تهاجم جنسی	تهاجم جنسی
سرقت	آتش‌سوزی	آتش‌سوزی	آتش‌سوزی
ورود شبانه به خانه	ورود شبانه به خانه به قصد دزدی	ورود شبانه به خانه به قصد دزدی	ورود شبانه به خانه به قصد دزدی
قتل	قتل	قتل	قتل

جدول ۲: مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی

عوامل فردی	عوامل محیطی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...)
پایین بودن متوسط بهره هوش این افراد	سوء استفاده توسط سایر مجرمان
ناتوانی در درک آثار و عواقب اعمال جرم	مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها در آموزش، درمان و حمایت اصولی از فرزندان عقب‌مانده ذهنی
ارتکاب جرم به منظور جلب توجه دیگران	تحقیر، تحمیق و تمسخر در اجتماع
ضعف در کنترل و مدیریت هیجانات	عدم حمایت کافی مالی و غیر مالی نهادهای دولتی
پایین بودن قدرت تحمل در برابر عوامل جرم	پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی در خصوص افراد عقب‌مانده
اعتماد به نفس پایین	عدم امکان اشتغال مناسب با وضعیت و شرایط خاص این افراد
تمایلات و نیازهای عاطفی و تأثیرپذیری عاطفی بالا	فقدان وجود تفریحات مناسب برای این افراد در جامعه

جدول ۳: مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشگیری از بزه‌کاری در افراد عقب‌مانده ذهنی

عوامل فردی	عوامل محیطی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...)
ارتقای آگاهی‌های این افراد از طریق آموزش	اطلاع‌رسانی و نهادینه کردن فرهنگ برخورد صحیح و حمایت اجتماعی از افراد عقب‌مانده ذهنی
افزایش احساس ارزشمندی در فرد عقب‌مانده ذهنی	فراهم‌نمودن بستر و شرایط اشتغال متناسب با وضعیت این افراد
مراقبت مداوم از این اشخاص توسط مراکز روانپزشکی و سایر ارگان‌های مرتبط	ایجاد نهادها و تشکلهایی که ضمن آموزش این افراد، زمینه را برای حضور فعال آنان در جامعه فراهم آورد.
بالا بردن احساس تنفر نسبت به رفتارهای مجرمانه در فرد استثنایی	جداسازی مجرمان عقب‌مانده ذهنی از سایر مجرمان
تمرین نظام تنبیه و پاداش در کاهش تمایل به جرم در فرد عقب‌مانده ذهنی	حمایت مالی از خانواده‌های افراد عقب‌مانده ذهنی توسط دولت
افزایش اعتماد به نفس آنان	ایجاد مراکز مشاوره و درمانی اختصاصی توسط دولت
آموزش مهارت‌های کنترل هیجانات	ایجاد امکاناتی جهت تفریح و تخلیه هیجانات برای این افراد

References

1. Barbotte E, Guillemin F, Chau N. Prevalence of impairments, disabilities, handicaps and quality of life in the general population: a review of recent literature. Bulletin of the World Health Organization 2001; 79(11): 1047-1055.,vn
2. Ghasemzadeh R, Kamali M, Chabok A, Fallahi Khoshknab M, Shirani M. Accessibility to the public facilities: a mean to achieve civil rights of the people with disabilities in Iran. Iranian Rehabilitation Journal 2008; 6(1): 73-82.
3. Statistical Center of Iran. Disability study results, General census of population. 1987. Available at: <http://www.amar.org.ir/Upload/Modules/Contents/asset23/kollisarshomari85.pdf>.
4. Menninger KA. Mental retardation and criminal responsibility: Some thoughts on the idiocy defense. International Journal of Law and Psychiatry 1986; 8(3): 343-357.
5. Afrooz GHA, Ashori M. Psychology and rehabilitation of slow paced children and adults. Tehran: Tehran University Publications 2016; p.34-35. [Persian]
6. Reiss S, Rojahn J. Joint occurrence of depression and aggression in children and adults with mental retardation. Journal of Intellectual Disability Research 1994; 7(3): 76-79.
7. Simpson MK, Hogg J. Patterns of offending among people with intellectual disability: A systematic review. Part I: Methodology and prevalence data. Journal of Intellectual Disability Research 2001; 45(5): 384-396.
8. Cullen C. The treatment of people with learning disabilities who offend. Edited by Howells K, Hollin CR. Chichester: Clinical Approaches to the Mentally Disordered Offender; 1993. p.145-164.
9. Su KP, Yu JM, Yang TW, Tsai SY, Chen CC. Characteristics of mentally retarded criminal offenders in Northern Taiwan. Journal of Forensic Science 2000; 45(6): 1207-1209.
10. Jones J. Persons with intellectual disabilities in the criminal justice system: Review of issues. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology 2007; 51(6): 723-733.

11. Rose J, Cutler C, Tresize K, Novak D, Rose D. Individuals with an intellectual disability who offend. *The British Journal of Development Disabilities* 2008; 54(106): 19-30.
12. Lindsay WR. People with intellectual disability who offend or are involved with the criminal justice system. *Current Opinion in Psychiatry* 2011; 24(5): 377-381.
13. Taylor JL, Novaco RW. A brief screening instrument for emotionally unstable and dissocial personality disorder in male offenders with intellectual disabilities. *Research in Developmental Disabilities* 2013; 34(1): 546-553.
14. Firth H, Balogh R, Berney T, Bretherton K, Graham S, Whibley S. Psychopathology of sexual abuse in young people with intellectual disability. *Journal of Intellectual Disability Research* 2001; 45(3): 244-252.
15. Perske R. Observations of a water boy. *Mental Retardation* 2003; 41(1): 61-64.
16. Raina P, Lunskey Y. A comparison study of adults with intellectual disability and psychiatric disorder with and without forensic involvement. *Research in Developmental Disabilities* 2010; 31(1): 218-223.
17. Winter N, Holland AJ, Collins S. Factors predisposing to suspected offending by adults with self-reported learning disabilities. *Psychological Medicine* 1997; 27(3): 595-607.
18. Schuerman L, Kobrin S. Community careers in crime. *Crime and Justice* 1986; 8: 67-100.
19. Murphy CC, Yeargin-Allsopp M, Decouflé P, Drews CD. The administrative prevalence of mental retardation in 10-year-old children in metropolitan Atlanta, 1985 through 1987. *American Journal of Public Health* 1995; 85(3): 319-323.
20. Panek PE, Smith JL. Assessment of terms to describe mental retardation. *Research in Developmental Disabilities* 2005; 26(6): 565-576.
21. Kearns A, O'Connor A. The Mentally Handicapped Criminal Offender a 10 year Study of Two Hospitals. *The British Journal of Psychiatry* 1988; 152(6): 848-851.